اسوه‏ها

حضرت مريم (عليها السلام)

جواد محدّثى‏

آشنايى با شخصيت‏هاى الگو و انسان‏هاى پاك، راه زندگى در مسير عبوديت و كمال را به ما مى‏آموزد. از آن‏جا كه بخشى از خوانندگان اين فصل‏نامه، بانوان جامعه‏اند، گاهى از ميان اسوه‏ها چهره يك زن با ايمان را معرفى كرده‏ايم.

اين بار، در آستان شخصيت والاى حضرت مريم قرار داريم و با گوشه‏هايى از زندگانى او آشنا مى‏شويم، باشد كه براى همه مخاطبان اين مجله، به ويژه خواهران گرامى سودمند باشد.

از نسل پيامبران‏

حضرت مريم، بيش از دو هزار سال پيش در ميان بنى اسرائيل به دنيا آمد. پدر بزرگوارش عمران بود كه از انبياى الهى به شمار مى‏رفت و خداوند، اين دختر پاك را در كهن‏سالى به او عطا كرد. مادر حضرت مريم، «حنّه» نام داشت.

عمران در يك رؤياى صادقه، بشارت فرزنددار شدن را دريافت كرده بود. از اين‏رو نذر كرد كه وقتى فرزندش چشم به جهان گشود، او را به خدمت‏گزارى در معبد بگمارد. مدتى گذشت و پدر مريم، پيش از آن‏كه روز تولد فرزند را ببيند از دنيا رفت. مادرش حنّه، از يك سو در غم فقدان شوهرش اندوهگين بود و از سويى به اميد ولادت فرزند، چشم به آينده دوخته بود.

سرانجام، مريم مقدس متولد شد. اما مادر كه انتظار پسر داشت، در انديشه فرو رفت كه چگونه به نذر پدر مريم عمل كند و اين دختر را به خدمت معبد بگمارد. ولى به هر حال، مريم بزرگ شد و مورد پذيرش خداى متعال قرار گرفت و مادرش او را به معبديان سپرد تا او را سرپرستى كرده و به خدمت آن مكان مقدس بگمارند.

خداوند درباره اين نوزاد مى‏فرمايد: «پروردگارش او را به شايستگى پذيرفت و به نحو شايسته و مناسبى او را پرورش داد».(1) و بدين‏گونه، تحت عنايات خاص خداوند قرار گرفت و اين لطفِ خداوندگارى در همه مراحل زندگى، همراه او بود.

تربيت الهى‏

حضرت مريم، هديه الهى به خانواده عمران بود. كم كم بزرگ شد و به سنّى رسيد كه مى‏بايست تربيت‏هاى خاصى را ببيند. وقتى مادرش او را به معبد برد، راهبان معبد بيت المقدس دوست داشتند افتخار كفالت و تربيت او را نصيب خود كنند. اما حضرت زكريا كه شوهر خاله مريم بود، مى‏خواست خودش سرپرستى و تربيت او را بر عهده داشته باشد. ناچار شدند تا قرعه‏كشى كنند. سرانجام قرعه به نام زكريا افتاد و وى عهده‏دار تربيت و مواظبت از مريم شد و او را به خانه برد و مدت‏ها خودش با كمك همسرش از او نگه‏دارى مى‏كردند تا به سنّى برسد كه بتواند در معبد بيت‏المقدس به عبادت و خدمت مشغول شود.

در زندگى مريم و دوران كودكى او جلوه‏هاى ويژه‏اى ديده مى‏شود. قرآن اشاره دارد كه مريم در سايه تربيت الهى قرار گرفت و اتاقى كه زكريا در معبد بيت المقدس براى او اختصاص داده بود و در طبقه بالا بود تنها خودش به كمك نردبان مى‏توانست به آن غرفه دسترسى پيدا كند. هرگاه براى آب و غذا دادن به آن‏جا مى‏رفت، مى‏ديد كنار مريم، مائده غذايى آماده است كه ميوه بهشتى و طعام در آن است و از صحنه شگفت‏زده مى‏شد، چون كسى جز خودش راه به آن‏جا نداشت. از مريم مى‏پرسيد: اين غذاها و ميوه‏ها از كجاست؟ و مريم پاسخ مى‏داد: «هو من عند الله انّ الله يرزق من يشاء بغير حساب؛(2) اين غذا از سوى خداوند است. همانا خداوند هر كس را بخواهد، بى‏حساب روزى مى‏بخشد.»

چنين بود كه دوران كودكى و نوجوانى حضرت مريم، با نظارت و اشراف حضرت زكريا و تحت عنايت‏هاى خاص پروردگار سپرى مى‏شد و حتى ميوه و غذاى بهشتى از سوى خداوند براى او فراهم مى‏آمد، تا از هر جهت آماده دريافت فيض بزرگ‏ترى شود و افتخار مادرى يكى از بزرگ‏ترين پيامبران الهى نصيب او گردد؛ پيامبرى كه پيوسته او را به نام مادرش مى‏خوانند و «عيسى بن مريم» مى‏گويند.

بانوى برگزيده‏

از ويژگى‏هاى حضرت مريم، «برگزيده» بودن آن بانوى پاك است. هم از زبان خداوند در قرآن و هم از زبان پيامبر خدا (ص) در روايات، به اين ويژگى اشاره شده است. در قرآن كريم، در خطابى از سوى پروردگار به مريم مقدس چنين آمده است: «يا مريم انّ الله اصطفاك و طهّرك و اصطفاك على نساء العالمين؛(3) اى مريم! به يقين، خداوند تو را برگزيد و پاك ساخت و تو را بر زنان جهان برگزيد.»

گواهى خدا به پاكى و برگزيدگى او در اين آيه، مقام والاى مريم را مى‏رساند. در اين آيه، دو بار تعبير «اصطفاك» به كار رفته است. به گفته مفسّران، يكى اشاره به برگزيدگى براى خدمت در بيت المقدس و ديگرى براى به دنيا آوردن حضرت عيسى است، يا يكى اشاره به برگزيدگى براى برخوردارى از غذاهاى بهشتى و ديگرى براى عبادت خدا يا مادرىِ حضرت عيسى است، يا اين‏كه يكى اشاره به پذيرش عبادت مريم از سوى خداوند و ديگرى برترى و برگزيدگى او بر زنان ديگر است.(4)

قرآن از حضرت مريم با تعبير «صدّيقه» ياد مى‏كند و او را مؤمن و تصديق كننده راستين كلماتِ خداوند و كتاب‏هاى آسمانى مى‏شمارد.(5)

در روايات متعددى اززبان حضرت رسول (ص) چنين آمده است كه بهترين زنانِ بهشتى چهار نفرند: حضرت خديجه، حضرت فاطمه زهرا (س)، حضرت مريم و آسيه (همسر فرعون كه موحّد بود و به شهادت رسيد).(6)

روزى پيامبر خدا (ص) به فاطمه زهرا (س) فرمود: دخترم، آيا راضى نيستى كه تو سرور زنان جهان باشى؟ حضرت فاطمه (س) پرسيد: پس حضرت مريم چه (كه قرآن او را برگزيده زنان جهان مى‏شمارد)؟ حضرت رسول (ص) پاسخ داد: او سرور زنان جهان در روزگار خويش بود، اما تو سرور همه زنان عالم در هر دو جهان هستى... .(7)

اين حديث، مقام والا و برگزيدگى مريم دختر عمران را مى‏رساند؛ بانويى كه عبادت خدا و سجده در پيش‏گاه او و خضوع و كرنش در آستان پروردگار، از حالات پيوسته او بود، آن‏گونه كه خداوند خطاب به او فرمود: «اى مريم! در پيش‏گاه پروردگارت عبادت و سجود كن و همراه با راكعان، ركوع كن».(8) او از سوى خداوند، اين بشارت را يافت كه مادر پيامبرى بزرگ هم‏چون عيساى مسيح باشد كه از مقرّبان درگاه خدا و آبرومند در پيش‏گاه سجود و از بندگان شايسته حضرت حق بود.(9)

آزمون بزرگ‏

يكى از مهم‏ترين بخش‏هاى زندگى مريم پاك و مقدس، باردار شدن او بر حضرت عيسى بود، بدون آن‏كه شوهر كرده باشد. البته اين معجزه الهى و حادثه شگفت، زمينه حرف و حديث‏ها و تهمت‏هاى بسيارى شد، اما هم خداوند، به عصمت و پاكى او گواهى داد، هم كودكش در گهواره زبان گشود و از مادرش رفع تهمت كرد.

خداوند اراده كرده بود كه مريم مقدس كه دوشيزه بود و ازدواج نكرده بود، فرزندى چون عيسى به دنيا آورد. يك بار كه از معبد به خانه خاله‏اش (همسر زكريا) رفت تا خود را شست‏وشو دهد و به معبد باز گردد، فرشته الهى (جبرئيل) به صورت يك جوان زيبا در برابر او تجسّم يافت. مريم از اين صحنه نگران شد و به خدا پناه برد و شرم همه وجودش را فرا گرفت. فرشته الهى گفت: من فرستاده پروردگار تو هستم تا فرزندى پاك به تو عطا كنم. مريم گفت: من شوهر نكرده‏ام و دست بشرى به من نرسيده، چگونه ممكن است فرزنددار شوم؟ فرشته پاسخ داد: پروردگار تو چنين خواسته و فرموده كه چنين امرى بر من آسان است و همين مسئله، نشانى از سوى خدا براى مردم خواهد بود و اين اراده حتمى الهى است و حتماً انجام خواهد شد.

به گفته قرآن و متون دينى، جبرئيل در گريبان لباس آن بانوى نجيب و پاك دميد و از دمِ او مريم باردار شد.(10)

كم‏كم باردارى مريم آشكار شد و در وقت مقرّر، در سايه درخت نخلى در بيت لحم در فلسطين، عيسى به دنيا آمد. تهمت‏هاى مردم شروع شد و اين حرف‏ها و صحنه‏ها براى مريم كه پاك‏دامن و به گناه آلوده نشده بود، بسى گران آمد تا آن‏جا كه به تصريح قرآن، آرزو كرد كاش پيش از اين واقعه مرده بود و از يادها رفته بود: «يا ليتنى متّ قبل هذا و كنت نسياً منسياً».(11)

اما خدا با او بود. به فرمان خداوند، مريم شاخه‏هاى درخت خرما را تكان داد، خرماى تازه در فصلى كه هنگام خرما نبود از درخت فرو ريخت و مريم از آن خورد و چشمه‏اى از زير پايش جوشيد و از آب آن نوشيد و اين لطف الهى، همان‏گونه كه در دوران عبادت در بيت‏المقدس، به صورت مائده آسمانى كنار محراب او پديد مى‏آمد، در اين دوران هم به مدد و دلدارى و حمايت اين بنده خالص خدا آمد و از سوى ديگر عيساى مسيح كه كودكى در گهواره بود، به اذن الهى لب به سخن گشود و خود را بنده خدا ناميد و پيامبرى معرّف كرد كه از سوى خدا به او كتاب و دين داده شده است و هرگز اهل شقاوت نيست و گفت كه به اراده خدا وجود او همواره مايه خير و بركت خواهد بود.(12)

تكلّم عيسى در گهواره و خود را پيامبر معرفى كردن و دم از سعادت و صلاح و نبوت و نماز و زكات و نيكى به والدين زدن، همه گواه اعجاز در اين تولد و مولود و مادرش بود و خبر از حكمتى والا مى‏داد كه پروردگار جهان در اين قضيه نهاده است.

حضرت مريم، فرزند خود را بزرگ كرد. عيسى كه از كودكى پيامبر برگزيده الهى بود، به تدريج بزرگ شد و همراه مادرش به مصر رفت و پس از چند سال دوباره به فلسطين برگشتند. رشد جسمى او در كودكى خارق‏العاده و سريع‏تر از روش عادى بود. خداوند هم به عيسى كتاب و حكمت و تورات و انجيل آموخت و او را با اديان گذشته و شرايع آسمانى آشنا كرد و او را مأمور هدايت مردم نمود و اين افتخار، براى حضرت مريم براى هميشه باقى ماند كه مادر يكى از بزرگ‏ترين پيامبران الهى باشد كه برگزيده خداست.

الگوى ايمان‏

هر چند مسيحيان درباره حضرت مريم اعتقادات خاصى دارند و ضمن آن‏كه او را تقديس مى‏كنند و عكس و مجسمه او را همه جا به عنوان نماد و سمبل مسيحيّت نصب مى‏كنند و به او توسّل مى‏جويند، اما بعضى هم او را «مادر خدا» مى‏پندارند و عقيده نادرستى را كه درباره عيساى مسيح دارند، درباره مادرش هم اظهار مى‏كنند و تا حدّ پرستش او را مى‏ستايند.(13)

سيماى مريم پاك در منابع اسلامى، بسيار درخشان و ستودنى است. در روايات، از او با لقب‏هايى هم‏چون: «محدّثه»، «عابده»، «عذرا» و «بتول» ياد شده و از زنان بهشتى شمرده شده است.

قرآن از ميان زنان دو نفر را ياد مى‏كند كه مثال و الگو و سرمشق صاحبانِ ايمان‏اند. يكى، «آسيه» همسر فرعون كه بانويى مؤمن به حضرت موسى و خداى او و بيزار از فرعون و ستم‏هاى او بود و آرزويش داشتن جايگاهى در بهشت در پناه رحمت و قرب پروردگار بود، ديگرى «مريم» دختر عمران كه عفاف و پاك‏دامنى خويش را حفظ كرد و خداوند توسط جبرئيل از روح خويش بر او دميد و عيساى مسيح متولد شد و او بانويى بود كه به خدا و كتاب‏هاى آسمانى باور داشت: «... و صدّقت بكلماتِ ربّها و كُتُبه و كانت من القانتين».(14)

«سوره مريم» در قرآن كريم و بيان ويژگى‏هاى او و فرزندش عيسى در اين سوره، گواه اهتمام مكتب اسلام به اين مادر نمونه و مسيح پرور است. شايد بتوان گفت بهترين توصيف‏ها و واقعى‏ترين شخصيت نگارى از سيماى اين مادر و فرزند، در ديد اسلام و قرآن است كه دور از افراط و تفريط و همراه با ستايش پاكى و عفت اوست.

يكى از صحنه‏هايى كه بيان ديدگاه اسلام درباره اين زن با ايمان و الگو، حقانيت اسلام را اثبات كرد، سخنان جعفر بن ابى طالب، سرپرست مسلمانان مهاجر به حبشه بود.

وقتى مسلمانان صدر اسلام با افزايش شكنجه و آزار كفار قريش در مكه، در سختى و فشار قرار گرفتند و در سال پنجم هجرى به فرمان پيامبر خدا (ص) به كشور حبشه مهاجرت كردند، كافران كسانى را به آن سرزمين فرستادند تا مهاجران را برگردانند. نجاشى، پادشاه حبشه كه به مسلمانان مهاجر پناه داده بود، در مقابل ادعاى مشركان اعزامى از مكه، گفت: بايد سخنان مسلمانان را هم بشنوم. اين بود كه در ضمن گفت‏وگو با جعفر طيّار (سرپرست مهاجران) از او خواست بخشى از آن‏چه را كه مى‏گويند از سوى خدا بر پيغمبرشان نازل شده است، بخواند. جعفر بن ابى طالب هم هوش‏مندى و موقع‏شناسى به خرج داد و آياتى از سوره مريم را خواند. وقتى نجاشى كه مسيحى بود و به حضرت مريم و حضرت عيسى ايمان داشت، در كتاب آسمانى مسلمانان آن همه ستايش و پاك‏دامنى را براى مريم مقدس و عيساى مسيح شنيد، به شدت تحت تأثير قرار گرفت و گريست و به حق بودن ادعاى مسلمانان اعتراف كرد و فرستادگان مشركان مكه را ناكام گذاشت و دست خالى برگرداند، و گفت: هرگز مسلمانان مهاجر را كه به كشور من پناه آورده‏اند، به شما تسليم نخواهم كرد.(15)

مقام مريمِ پاك نزد خدا بسيار والاست و هم‏چنان كه ياد شد، يكى از چهار بانوى برتر بهشتى است.

اين بانوى با فضيلت در تاريخ زندگانى حضرت خديجه نيز، نقشى ايفا كرده است. وقتى خديجه كبرى به همسرى پيامبر خدا (ص) در آمد و به خواستگارى شخصيت‏هاى معروف و ثروت‏مند قريش بى‏اعتنايى كرد، زنان كافر نيز در صف بدخواهان او قرار گرفتند و تماس و رابطه خويش را با او قطع كردند. هنگامى كه خديجه مى‏خواست نوزاد خود فاطمه زهرا (س) را به دنيا آورد، آن زنان هيچ كدام حاضر نشدند او را كمك كنند. اما خداوند كه حامى انسان‏هاى با ايمان است، زنان آسمانى را به مدد حضرت خديجه فرستاد تا اندوه او برطرف شود.

حضرت خديجه كه از بى‏اعتنايى زنان قريش غمگين بود و هنگام تولد فرزندش فرا رسيده بود، ناگهان چهار بانوى بلند بالا را در برابر خود ديد. يكى از آنان گفت: اى خديجه، محزون مباش، ما فرستادگان خدا و خواهران توييم؛ من ساره‏ام، اين آسيه است كه همدم تو در بهشت است، او هم حضرت مريم است و اين نيز كلثوم، خواهر حضرت موسى، خداوند ما را فرستاده است تا در اين موقعيت، تو را كمك كنيم. آن‏گاه دور خديجه نشستند و كمك كردند تا او دخترش فاطمه زهرا (ع) را به دنيا آورد.(16)

فرجام عمر

حضرت مريم، پس از عمرى (51 يا 63 سال) كه در كمال پاكى و عبادت و تربيت شايسته فرزند گذراند، به نقلى در «مصر» و به نقلى در «ناصره» در گذشت.

در يكى از منابع چنين آمده است: حضرت مريم پس از هجرت به ناصره، همراه فرزندش در كوه‏هاى لبنان به سر مى‏برد و از گياهان صحرا و برگ‏هاى درختان و گاهى خوشه‏هاى گندم كشاورزان تغديه مى‏كرد و روزها بدين منوال مى‏گذشت. روزى حضرت عيسى براى تهيه غذا يا هدايت و ارشاد مردم مادرش را ترك گفت. چون به حضور مادر بازگشت، وى از دنيا رفته بود. عيسى (ع) گمان كرد كه حضرت مريم به خوابى عميق فرو رفته است. ساعت‏ها منتظر ماند، اما بيدار نشد. دقت كرد، ديد مادرش از دنيا رفته است. ناگاه اشك از چشمانش جارى شد، فرشتگان با او همنوا شدند و در تكفين و تجهيز مريم، همكارى كردند. بدين‏سان حضرت مريم در سن 63 سالگى به ديدار خدا شتافت.(17)

هر چند در منابع تاريخى و كتاب‏هاى تفسير، توضيح روشنى از روزها و سال‏هاى آخر عمر حضرت مريم و كيفيت درگذشت وى به چشم نمى‏خورد، اما به همين مقدار نيز كه در متون دينى و تاريخى از او سخن گفته شده، مى‏توان حضرت مريم را بانويى مؤمن، خداشناس، پاك، با اخلاص، عبادت پيشه، صالح پرور و نيكوكردار دانست كه حيات پر بارش براى همگان الگوست و به دليل پاك‏زيستى و طهارت روح و بى‏آلايشى، نزد همه پيروان اديان آسمانى، مورد احترام و تقديس است.

باشد كه شخصيت محبوب او، سرمشق پاك‏دامنى و عفاف گردد.

\* \* \*

پي نوشت ها:

1) آل عمران (3) آيه 37.

2) همان.

3) همان، آيه 43.

4) علامه طباطبايى، تفسير الميزان‏ج 3، ص 295؛ طبرسى، مجمع البيان، ج 2، ص 440.

5) مائده (5) آيه 75 و تحريم (66) آيه 12.

6) بحار الانوار، ج 13، ص 161.

7) بشارة المصطفى، ص 69.

8) آل عمران (3) آيه 43.

9) همان، آيه 46.

10) مريم (19) آيات 17 تا 22.

11) همان، آيه 23.

12) همان، آيات 24 تا 32.

13) تفسير الميزان، ج 6، ص 244.

14) تحريم (66) آيه 12.

15) جعفر سبحانى، فروغ ابديت، ص 308، حوادث سال پنجم بعثت.

16) علامه بحرانى، العوالم، ص 43.

17) رياحين الشريعه، ج 2، ص 280؛ به نقل از: عباس رفيعى‏پور، حضرت مريم، اسوه نجابت.